

## از مجلس راستگویان

گزارشی از نسخه کهن امالی شیخ صدوق

سید محمود مرعشی\*

### چکیده

کتاب امالی شیخ صدوق، مجموعه ای از جلسات املاء شیخ صدوق است که طی دو سال از هجدهم ماه رجب سال ۳۶۷ق تا نوزدهم شعبان سال ۳۶۸ق تشکیل شده و در آغاز همه مجلس ها تاریخ آن ذکر شده است. نکته قابل توجه در کتاب مذکور، تنوع مطالب آن است که مشتمل بر مسائل مختلف اعتقادی، تاریخی، احکام، اخلاق و فضائل و مناقب اهل بیت می شود. نویسنده در نوشتار پیش رو نخست، به زندگانی شیخ صدوق نگاهی داشته و در این زمینه به ارائه اطلاعاتی از قبیل ولادت، مسافرت ها، استادان و مشایخی که در امالی از آنان روایت می کند، شاگردان و روایان، وفات، و تألیفات شیخ صدوق می پردازد. در ادامه، در راستای معرفی امالی شیخ صدوق، گزارشی اجمالی از مجالس املاء را به ترتیب تاریخی همراه با ذکر مکانی که مجلس در آن تشکیل شده و نیز تعداد احادیث هر مجلس، بیان می کند. سپس، با نگاهی گذرا به نسخ شناخته شده از امالی و نیز نسخ موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، تلاش دارد گزارشی از نسخه ای از امالی به خطر ابن سکون حلی ارائه دهد. پیش از معرفی نسخه مذکور، شرح حالی از ابن سکون، استادان، مسافرت ها، شعرها، فضائل اخلاقی و تاریخ وفات وی اظهار می دارد.

### کلیدواژه ها

املاء، امالی، مجالس، شیخ صدوق، ابن سکون حلی، کتاب امالی، معرفی کتاب.

\*تولیت و رئیس کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی



## مقدمه

یکی از روش‌هایی که برای انتقال علوم از دیرباز میان دانشمندان اسلامی رواج داشته، انتقال از طریق املاء است، در این روش که شباهت به تدریس دارد شاگردان قلم به دست بر گرد استاد حلقه می‌زنند و او مطالبی را که مورد نظرش می‌باشد می‌خواند و آنان همه را به همان صورتی که استاد بیان کرده می‌نویسند، تشکیل اینگونه مجالس در مکان‌های متعدّد و مناسبت‌های مختلف ادامه می‌یابد و مجموع سخنان استاد در یک کتاب گردآوری می‌شود که به نام «امالی» یا «مجالس» نامیده می‌شود.

روش مرسوم در املاء این است که شاگردان در آغاز هر مجلس، زمان و مکانی را که مجلس املاء در آن تشکیل شده می‌نویسند، و سپس با ذکر نام استاد مطالبی را که آن عالم بیان کرده به همان صورت ذکر می‌کنند، نوع مطالب هر مجلس براساس مناسبت‌ها و مکان‌هایی که مجلس املاء در آن تشکیل می‌شود متغیّر است و تخصّص هر عالم نیز در نوع مطالب بیان شده تأثیرگذار است، محصول اینگونه جلسات ده‌ها کتاب ارزشمند در موضوعات مختلف است که به جامعه تقدیم شده و نقش مهمی در پیشبرد رشته‌های مختلف علوم و فنون داشته است.

یکی از دانشمندان بزرگی که علاوه بر نگارش ده‌ها کتاب گران‌سنگ به مجالس املاء اهتمام داشت و به هر شهری قدم می‌گذاشت دستداران دانش به گردش حلقه می‌زدند و از او تقاضای تشکیل مجلس املاء داشتند عالم برجسته شیعه ابوجعفر محمّد بن علی بن حسین قمی رازی معروف به شیخ صدوق است. در این نوشتار ابتدا به اختصار گوشه‌ای از زندگانی پربرکت این بزرگوار را به نظر خوانندگان محترم می‌رسانم، و سپس به معرفی کتاب پراج امالی شیخ صدوق خواهیم پرداخت.

## شرح حال شیخ صدوق

برخی شخصیت‌های علمی در تاریخ دین و دانش درخشش خاصی دارند و همچون ستاره‌ای تابناک در آسمان می‌درخشند، چراغ هدایت و گرمابخش جامعه‌اند، و گرچه سال‌ها از عالم خاک پرکشیده‌اند اما همچنان برکات وجودشان جامعه را سرشار از نشاط می‌کند و

به سعادت ابدی رهنمون می‌گردد، و چه زیبا امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به معرفی آنان می‌پردازد، آنجا که خطاب به صحابی مخلص و وفادارش می‌فرماید: «یا کمیل، هَلَكَ خُزَانُ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءُ، وَ الْعُلَمَاءُ بِاقْوَانِ مَا بَقِيَ الدَّهْرِ أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ»<sup>۱</sup>. یکی از این دانشمندان فقیه برجسته، عالم پرهیزکار، استاد فقیهان، پیشوای محدثان شیخ صدوق است. وقتی این لقب بدون پیش‌وند یا پس‌وند گفته می‌شود اختصاص به این شخصیت عظیم دارد، همانگونه که وقتی «صدوق اول» گفته می‌شود، منظور علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی پدر شیخ صدوق است، و از هر دو تعبیر به «صدوقان» می‌شود.

## ولادت

او حدود سال ۳۰۶ ق در شهر مقدس قم دیده به جهان گشود، ولادت وی به دعای حضرت بقیة الله صاحب الزمان (عجل الله فرجه) بوده است، پدرش که فرزند پسر نداشت نامه‌ای به ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی - نایب خاص امام زمان (عجل الله فرجه) - نوشت و از وی خواست تا از حضرت امام مهدی (عجل الله فرجه) تقاضا کند تا برایش دعا کند و از خدا بخواهد فرزند پسری به وی عنایت فرماید. پس از سه روز پاسخی دریافت کرد که در آن آمده بود: «حضرت برای علی بن حسین دعا فرمود و به زودی برای او پسری به دنیا خواهد آمد که با برکت است و خداوند به وسیله او به مردم نفع می‌رساند، و پس از او فرزندان دیگری نیز برای او به دنیا خواهد آمد»<sup>۲</sup>.

این مطلب یا شبیه آن در منابع متعدّد نقل شده است.<sup>۳</sup>

ولادت شیخ صدوق به دعای امام زمان (عجل الله فرجه) در میان مردم قم مشهور بود، و خود آن بزرگوار به آن افتخار می‌کرد و می‌فرمود: «من به دعای صاحب الامر (عجل الله فرجه) به دنیا آمده‌ام»<sup>۴</sup>.

۱ نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۱۴۷.

۲ کمال الدین، ص ۵۰۲، باب ۴۵، ح ۳۱.

۳ به عنوان نمونه رجوع شود به کتاب‌های: الغیبه، شیخ طوسی، ص ۳۲۰، ح ۲۶۶، و ص ۳۰۸-۳۰۹، ح ۲۶۱، و ص ۳۰۹؛ رجال نجاشی، ص ۲۶۱، شماره ۶۸۴.

۴ رجال نجاشی، ص ۲۶۱، شماره ۶۸۴.

## عصر طلایی

شیخ صدوق در خانه‌ای به دنیا آمد که به دانش و پارسایی شهره بود، پدرش بزرگ دانشمندان قم و فقیهی نامدار و مورد اعتماد بود، در آن عصر - همچون عصر ما - شهر مقدس قم مرکز دانش بود و دانشمندان بزرگی گرمابخش محافل علمی بودند. شیخ صدوق این توفیق را داشت که از محضر بسیاری از آنان کسب فیض نماید و به مراتب بالای علمی دسترسی پیدا کند. بزرگانی مانند پدرش، و محمد بن حسن بن احمد بن ولید، و حمزه بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید که فراوان از آنان نام می‌برد و حدیث نقل می‌کند.

دوران شیخ صدوق با حکومت شیعی آل بویه همراه است که دربارشان کانون اجتماع دانشمندان بود و وزرای دانشمندان همچون ابوالفضل محمد بن حسین بن عمید قمی و فرزندش ابوالفتح علی بن محمد بن حسین بن عمید قمی، و اسماعیل بن عبّاد بن عباس طالقانی معروف به صاحب بن عبّاد به دانش بسیار اهمیت می‌دادند و ده‌ها دانشمند برجسته در رشته‌های مختلف علوم و فنون در مجالشان حضور می‌یافتند و نقش مهمی در پیشبرد دانش و نشر آن و تألیف کتاب‌های مفید ایفا می‌نمودند.

## مسافرت‌ها

این عالم بزرگوار در طول عمر با برکت خویش سفرهایی به شهرهای متعدد داشت که بسیاری از آنها جهت کسب دانش بود. وی به شاگردی دانشمندان قمی بسنده نکرد، بلکه رنج سفر را به جان خرید و به شهرهای مختلف رفت تا از خرمن دانش عالمان دیگر بلاد خوشه‌ای برچیند و بر دانش خویش بیفزاید، او در روایت‌های متعددی که نقل می‌کند پس از ذکر نام استادی که از وی آخذ حدیث کرده، نام شهری را که در آنجا حدیث را شنیده، و گاهی سال شنیدنش را نیز ذکر می‌کند، در اینجا به تعدادی از این سفرها فهرست‌وار اشاره می‌کنیم:

### ۱. مشهد مقدس

او سه بار به این شهر رفته که بار اول سال ۳۵۲ ق، و دومین بار در سال ۳۶۷ ق و سومین سفر در سال ۳۶۸ ق بوده است. در خاتمه عیون اخبار الرضا (علیه السلام) سفر اول را ذکر کرده، و در

امالی به سفر دوم و سوم اشاره شده است، در این شهر مجالس متعدّد املاء تشکیل داده است.

## ۲. نیشابور

در سال ۳۵۲ ق در مسیر بازگشت از سفر اول به مشهد به این شهر رفته است. در مقدمه کتاب کمال الدین می نویسد: «پس از زیارت علی بن موسی الرضا - صلوات الله علیه - به نیشابور رفتم»<sup>۱</sup>. در این شهر از بسیاری از مشایخ اخذ حدیث کرده است.<sup>۲</sup> در سال ۳۶۸ ق نیز در مسیر مشهد به این شهر رفته و چند مجلس املاء داشته است.

## ۳. بغداد

دو بار به این شهر رفته و در آنجا نقل حدیث کرده و از مشایخ آن شهر اخذ حدیث نموده است. بار اول در سال ۳۵۲ ق و دومین مرتبه در سال ۳۵۵ ق در مسیر بازگشت از سفر حجّ بوده است.<sup>۳</sup>

## ۴. همدان

در سال ۳۵۴ ق در مسیر سفر به مکه برای انجام حجّ به این شهر رفته است، در تعدادی از روایات تصریح می کند که در سال مذکور در همدان این روایت را شنیده است.<sup>۴</sup>

## ۵. کوفه

در سال ۳۵۴ ق در مسیر سفر حجّ به این شهر رفته و در این شهر و در مسجد بزرگ آن از محدّثان آن شهر اخذ حدیث کرده است.<sup>۵</sup>

## ۶ و ۷. مکه و مدینه

در سال ۳۵۴ ق توفیق انجام حجّ و زیارت پیامبر و قبور ائمه (علیهم السلام) را داشته است.<sup>۶</sup>

۱ کمال الدین، ص ۲.

۲ در احادیث متعددی از عالمان این شهر نام برده و تصریح کرده که در این شهر از وی این روایت را شنیده است، از جمله در کتاب التوحید، ص ۷۷، ح ۳۳.

۳ رجال نجاشی، ص ۳۸۹ (۱۰۴۹).

۴ به عنوان نمونه رجوع شود به کتاب التوحید، ص ۷۷، ح ۳۴؛ خصال، ص ۳۲۰، باب السّنة، ح ۲، و ص ۳۴۴، باب السبعة، ح ۱۰، و ص ۵۱۵، ابواب العشرین و ما فوقه، ح ۱.

۵ رجوع شود: امالی صدوق، مجلس اول، ح ۱ و ۲ و ۶؛ کتاب التوحید، ص ۲۳۲، باب ۳۲، ح ۱؛ خصال، ص ۱۱۵، باب الثلاثة، ح ۹۴.

۶ در برخی کتاب هایش به آن تصریح نموده است، از جمله: عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۲، باب ۳۱، ح ۲۱۳.

## ۸. فید

شهری بین مکه و مدینه است در مسیر بازگشت از حجّ به آنجا رفته و از ابوعلی احمد بن ابی جعفر بیهقی اخذ حدیث کرده است.<sup>۱</sup>

## ۹. ری

وی به دعوت مردم آن شهر و تقاضای رکن الدوله دیلمی (متوفای سال ۳۶۶ ق) به آنجا رفته و اقامت کرده و تا آخر عمر شریف در آنجا بوده است، و همانجا از دنیا رفته و در آنجا دفن شده است.

## ۱۰. ایلاق از روستاهای سرزمین ماوراءالنهر و از توابع بلخ

او در سال ۳۶۸ ق سفری به خراسان و ماوراءالنهر داشته و به این شهر و دیگر شهرهای آن که نام تعدادی از آنها را ملاحظه خواهید کرد وارد شده است، در مقدمه کتاب من لا یحضره الفقیه به این سفر و ورود به ایلاق تصریح کرده است، و در آخر کتاب نیز بار دیگر آن را تکرار کرده است.

## ۱۱. بلخ

در سال ۳۶۸ ق در این شهر از گروهی از محدّثان اخذ حدیث کرده است.<sup>۲</sup>

## ۱۲. سرخس

در سال ۳۶۸ ق به این شهر رفته است، و از برخی محدّثان آن اخذ حدیث کرده است.<sup>۳</sup>

## ۱۳. سمرقند

در سال ۳۶۸ ق از محدّثان این شهر اخذ حدیث کرده است.<sup>۴</sup>

## ۱۴. فرغانه از شهرهای ماوراءالنهر

در سفرش به سرزمین ماوراءالنهر به این شهر رفته و از مشایخ آن حدیث شنیده است.<sup>۵</sup>

۱ همان.

۲ رجوع شود: معانی الأخبار، ص ۱۱، باب معنی توحید و عدل، ح ۲، و ص ۱۲۱، باب معنی قول امیرالمؤمنین: «أنا زید بن عبد مناف بن عامر»، ح ۲، و ص ۲۰۵، باب معنی قول النبی ﷺ: «یا علی لک کنز فی الجنة و أنت ذو قرنیها»، ح ۱، و ص ۳۰۴، باب معنی الإسجاح، ح ۱، و ص ۳۰۵، باب معنی الحوَاب و الجمَل الأدب، ح ۱. ۳ نگاه کنید: التوحید، ص ۲۲، باب ۱، ح ۱۵، و باب ۵۹، ح ۲۷، و ص ۴۰۹، باب ۶۳، ح ۹؛ خصال، ص ۹۷، باب الثلاثة، ح ۶.

۴ خصال، ص ۴۵، باب الاثنین، ح ۴۲، و ص ۲۲۰، باب الأربعة، ح ۴۵، و ص ۳۱۵، باب الخمسة، ح ۹۷؛ عیون اخبار الرضا ج ۲، ص ۱۲، باب ۳۰، ح ۲۲؛ فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۶۵، ح ۴۷.

۵ التوحید، ص ۳۵۳، باب ۵۶، ح ۲۵؛ خصال، ص ۲۸، باب الواحد، ح ۱۰۱، و ص ۵۲، باب الاثنین، ح ۶۴، و ص

## ۱۵. اخسیکت از توابع فرغانه

در این شهر از محمد بن جعفر فقیه اخذ حدیث کرده است.<sup>۱</sup> لازم به یادآوری است که روایات متعددی از این شخص نقل کرده و در بسیاری از آنها تصریح شده که آن را در فرغانه شنیده است، و احتمال دارد که منظور ایشان از فرغانه همان منطقه باشد که اخسیکت نیز در آن واقع شده است.

## ۱۶. مرو

در این شهر نیز توقف داشته و از برخی محدثان آن حدیث شنیده است.<sup>۲</sup>

## ۱۷. مرو رود

در این شهر گروهی از محدثان برای او نقل حدیث کردند.<sup>۳</sup>

## اساتید و مشایخ

شیخ صدوق از آغاز نوجوانی تا پایان عمر با برکت خویش دست از طلب علم نکشید و عامل به حدیث معروف «اطلبوا العلم من المهد إلى اللحد» بود. همانگونه که اشاره شد با وجودی که شهرهای قم و ری که بخش اصلی و عمده عمر خویش را در آنها گذراند، مرکز عالمان و محدثان بود و صدها دانشمند برجسته گرمابخش محافل علمی این دو شهر بودند، لیکن عطشی که آن بزرگوار در کسب دانش داشت او را وادار می کرد که هر جا احتمال می داد حدیثی باشد که به گوش وی نرسیده باشد بدانجا می شتافت تا قدری از آن عطش را فرو نشاند. در شرح حال وی نام صدها تن به چشم می خورد که از آنها کسب دانش نموده یا از آنان اخذ حدیث کرده است، تعدادی از این مشایخ سنی مذهب بوده اند، و در موارد متعددی هنگام نقل روایت از آنان به مذهبشان تصریح کرده است. نام بسیاری از آنان در کتابهایی که زندگی نامه شیخ صدوق را نگاشته اند آمده است، ذکر نام همه آنان در اینجا ضرورتی ندارد، و ما به مشایخی که در امالی از آنان روایت می کند بسنده کرده و به ترتیب الفبایی نامشان را ذکر می کنیم:

۷۳، ح ۱۱۲، و ص ۱۶۵، باب الثلاثة، ح ۲۱۷.

۱ النخصال، ص ۱۷۷، باب الثلاثة، ح ۲۳۶.

۲ کمال الدین، ص ۴۳۳، باب ۴۲، ح ۱۶.

۳ التوحید، ص ۲۴، باب ۱، ح ۲۱؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰۱، باب ۲۱، ح ۱، و ج ۲، ص ۲۸، باب ۳۱، ح ۴.



۱. ابراهیم بن اسحاق طالقانی؛
۲. احمد بن حسن بن علی بن عبدویه قَطَّان ابوعلی؛
۳. احمد بن زیاد بن جعفر همدانی ابوعلی؛
۴. احمد بن علی بن ابراهیم بن هاشم قمی؛
۵. احمد بن محمد بن اسحاق دینوری؛
۶. احمد بن محمد بن رزمة قزوینی؛
۷. احمد بن محمد بن حمدان مکتب؛
۸. احمد بن محمد بن صقر صائغ عدل؛
۹. احمد بن محمد بن یحیی عطار؛
۱۰. احمد بن هارون فامی؛
۱۱. احمد بن یحیی مکتب؛
۱۲. جعفر بن حسین؛
۱۳. جعفر بن علی بن حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره کوفی؛
۱۴. جعفر بن محمد بن مسرور؛
۱۵. حسن بن عبدالله بن سعید عسکری؛
۱۶. حسن بن علی بن شعیب جوهری؛
۱۷. حسن بن محمد بن حسن بن اسماعیل سکونی ابوالقاسم؛
۱۸. حسن بن محمد بن سعید هاشمی کوفی؛
۱۹. حسن بن محمد بن یحیی بن حسن بن جعفر بن عیدالله بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن طالب (علیهم السلام)؛
۲۰. حسین بن ابراهیم علوی از اولاد محمد ابن حنفیه؛
۲۱. حسین بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی؛
۲۲. حسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام مؤدب؛
۲۳. حسین بن ابراهیم بن ناتانه؛





۲۴. حسین بن احمد بیهقی؛  
 ۲۵. حسین بن احمد بن ادريس؛  
 ۲۶. حسین بن علی صوفی؛  
 ۲۷. حسین بن علی بن احمد صائغ؛  
 ۲۸. حسین بن یحیی بن ضریس بجلی؛  
 ۲۹. حمزة بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید بن علی بن حسین (علیه السلام)؛

۳۰. سلیمان بن احمد بن ایوب لخمی ابوالقاسم طبرانی؛  
 ۳۱. صالح بن عیسی بن احمد بن محمد عجلی؛  
 ۳۲. عبدالرحمان بن محمد بن خالد؛  
 ۳۳. عبدالله بن محمد صائغ؛  
 ۳۴. عبدالله بن نصر بن سمعان تمیمی؛  
 ۳۵. عبدالواحد بن محمد عطار؛  
 ۳۶. عتاب بن محمد ورامینی؛  
 ۳۷. علی بن احمد بن عبدالله بن احمد بن ابی عبدالله برقی؛  
 ۳۸. علی بن احمد بن موسی دقاق؛  
 ۳۹. علی بن حاتم قزوینی؛  
 ۴۰. علی بن حسین بن سفیان بن یعقوب همدانی ابوالحسن؛  
 ۴۱. علی بن حسین بن موسی بن بابویه پدر بزرگوار شیخ صدوق؛  
 ۴۲. علی بن حسین بن شاذویه مؤدب؛  
 ۴۳. علی بن عبدالله وراق؛  
 ۴۴. علی بن عیسی قمی ابوالحسن مجاور؛  
 ۴۵. علی بن فضل بن عباس بغدادی؛  
 ۴۶. علی بن محمد بن حسن قزوینی ابوالحسن معروف به ابن مقبره؛



۴۷. علی بن محمد بن موسی؛
۴۸. محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی مکتب ابوالعباس؛
۴۹. محمد بن احمد سنانی مکتب؛
۵۰. محمد بن احمد صیرفی؛
۵۱. محمد بن احمد بن ابراهیم لیشی معاذی؛<sup>۱</sup>
۵۲. محمد بن احمد بن حسین بن یوسف بغدادی وراق؛
۵۳. محمد بن احمد بن علی بن اسد اسدی بردعی؛
۵۴. محمد بن حسن بن احمد بن ولید؛
۵۵. محمد بن بکران نقاش؛
۵۶. محمد بن علی ماجیلویه؛
۵۷. محمد بن علی بن بشار؛
۵۸. محمد بن علی بن فضل کوفی؛
۵۹. محمد بن عمر بن محمد بن سلمه بن براء حافظ بغدادی؛
۶۰. محمد بن قاسم استرآبادی؛
۶۱. محمد بن محمد بن محمد بن عصام کلینی؛
۶۲. محمد بن موسی بن متوکل؛
۶۳. محمد بن هارون زنجانی ابوالحسین؛
۶۴. یحیی بن زید بن عباس بن ولید بزاز ابوذّر؛
۶۵. یعقوب بن یوسف بن یعقوب فقیه.

### شاگردان و راویان

شیخ صدوق عالمی پرآوازه بود که هر جا می‌رفت دانشمندان و دانشجویان گردش حلقه می‌زدند و از وی تقاضای نقل حدیث داشتند. آن بزرگوار نیز با تشکیل مجالس املاء به نقل

۱ در برخی روایات به همین نام، و در برخی دیگر به نام محمد بن احمد بن ابراهیم معاذی، و در بعضی روایات به نام محمد بن ابی اسحاق (اسحاق) بن احمد لیشی آمده است.

احادیث می‌پرداخت و ده‌ها نفر از وی اخذ حدیث می‌کردند. نام تعدادی از آنان در شرح حال وی آمده است، بزرگانی همچون حسین بن عبیدالله غضائری، علی بن محمد خزار قمی صاحب کتاب گرانسنگ کفایة الأثر، شیخ مفید، محمد بن هارون تلعبیری، ابوسعید منصور آبی و بسیاری از دانشمندان معاصر وی که در شهرهای قم و ری سکونت داشته‌اند از شاگردان وی بوده‌اند.

## وفات

سرانجام پس از یک عمر مجاهدت علمی و نگارش ده‌ها کتاب ارزشمند در سال ۳۸۱ ق در شهر ری چشم از جهان خاکی فرو بست و روح بلندش به ملکوت اعلیٰ پر کشید،<sup>۱</sup> و جسم پاکش در نزدیکی حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی - سلام الله علیه - به خاک سپرده شد، قبرستانی که به نام خودش، به مقبره ابن بابویه شهرت دارد.

در سال ۱۲۳۸ ق بر اثر سیلابی که آن قبرستان را نیز فراگرفت قبر وی آسیب دید و جسد مطهرش آشکار شد در حالی که هیچ تغییری نکرده بود، گویا همان لحظه روح از بدنش خارج شده است. حتی رنگ حنایی که بر محاسن و کف پایش بود به همان صورت تازه مانده بود، با وجودی که حدود نه قرن از وفات و دفن وی گذشته بود، ولی بدن کاملاً سالم مانده بود، این مطلب زبان به زبان نقل می‌شد تا به گوش فتحعلی شاه قاجار رسید و او دستور داد قبرش را تعمیر نموده و قبه‌ای بر روی آن بسازند.<sup>۲</sup>

## آثار علمی

شیخ صدوق عالمی سختکوش و پرکار بوده و ده‌ها اثر ارزشمند از خود به یادگار گذاشت، به گفته شیخ طوسی در کتاب الفهرست، وی حدود سیصد کتاب تألیف کرد،<sup>۳</sup> مرحوم ابوالعباس نجاشی حدود ۱۹۷ اثر را نام برده است<sup>۴</sup>، و خود شیخ صدوق در مقدمه کتاب من لا یحضره الفقیه چنین فرموده است:

۱ رجال نجاشی، ص ۳۹۲، شماره ۱۰۴۹.

۲ روضات الجنات، ج ۶، ص ۱۳۲؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۵۴، شماره ۱۱۱۰۴؛ الفوائد الرضویة، ص ۵۶۰.

۳ الفهرست، ص ۱۵۷؛ در معالم العلماء، ابن شهر آشوب، ص ۱۱۱ نیز همین عدد آمده است.

۴ رجال نجاشی، ص ۳۸۹-۳۹۲، شماره ۱۰۴۹.



دست تقدیر مرا به روستای ایلاق در سرزمین بلخ کشاند، در همان زمان شریف‌الدین ابو‌عبدالله معروف به نعمه نیز به آنجا وارد شد، از دیدار او بسیار خوشحال شدم ... وی از من خواست کتابی در موضوع فقه بنویسم که همه ابواب در آن آمده باشد، او طی مدتی که با من بود بیشتر آثارم را استنساخ کرد و از من شنید و با کتابهایم که دویست و چهل و پنج کتاب بود آشنا گردید.<sup>۱</sup>

متأسفانه بیشتر آثار علمی شیخ صدوق از بین رفته و جز اندکی به دست ما نرسیده است، شمارش همه آنها از حوصله این مقدمه خارج است و ما، به معرفی کتاب گران‌سنگ امالی بسنده می‌کنیم.

### امالی شیخ صدوق

این کتاب مجموعه‌ای از جلسات املاء شیخ صدوق است که طی دو سال از هجدهم ماه رجب سال ۳۶۷ ق تا نوزدهم شعبان سال ۳۶۸ تشکیل شده است، در آغاز همه مجلس‌ها تاریخ آن ذکر شده است و از آنها چنین فهمیده می‌شود که هفته‌ای دو جلسه در روزهای سه‌شنبه و جمعه به طور مستمر و منظم برپا می‌شده است، این برنامه به همین صورت در مسافرت‌ها نیز ادامه داشته، مگر آنکه مناسبت‌های ویژه مانند روزهای غدیر، تاسوعا و عاشورا و مانند آنها این نظم زمانی را تغییر داده باشد، به عنوان نمونه مجلس بیست و یکم در روز آخر ماه رمضان تشکیل شده و مجلس بیست و دوم فردای آن یعنی روز اول ماه شوال تشکیل شده است، و پس از آن نیز در روزهای دوشنبه و چهارشنبه دوم و چهارم ماه شوال دو مجلس دیگر تشکیل شده است.

تشکیل جلسه بعدی در روز جمعه هفدهم ماه ذی حجه سال ۳۶۷ ق است که در مشهد مقدس تشکیل شده، و فردای آن روز یعنی هجدهم ماه ذی حجه مجلس دیگری تشکیل شده است.

پس از مراجعت از سفر مشهد، به ترتیب گذشته در روزهای جمعه اول محرم سال ۳۶۸ ق و سه‌شنبه پنجم محرم دو مجلس دیگر تشکیل شده، و سه مجلس بعدی روزهای جمعه،

۱ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲، با تلخیص و تصرف.

شنبه و یکشنبه هشتم، نهم و دهم ماه محرم الحرام همان سال تشکیل شده است، و پس از آن با همان نظم زمانی گذشته در روزهای جمعه و سه‌شنبه جلسات ادامه یافته است. در دو مورد دیگر نیز این ترتیب مراعات نشده است، مورد اول مربوط به مجالس ۸۸ و ۸۹ است که در روزهای شنبه آخر ماه رجب سال ۳۶۸ ق و یکشنبه اول ماه شعبان همان سال تشکیل شده، و ظاهراً به صورت فوق‌العاده بین دو مجلس جمعه ۲۸ رجب و سه‌شنبه سوم شعبان برگزار شده است.

مورد دوم مربوط به سفر دیگر شیخ صدوق به مشهد مقدس است که ابتدا مجلسی در روز سه‌شنبه هفدهم ماه شعبان سال ۳۶۸ ق تشکیل شده و مجلس بعدی در روز بعد چهارشنبه هجدهم ماه شعبان و مجدداً در عصر همان روز مجلس دیگری تشکیل شده است، و فردای آن روز یعنی روز پنجشنبه نوزدهم ماه شعبان مجلس دیگری تشکیل شده است. در مجلس ۹۴ تصریح شده که حضور شیخ صدوق در مشهد مقدس در مسیر مسافرت ایشان به سرزمین ماوراءالنهر بوده است.

بیشتر این مجالس در شهر ری محل اقامت شیخ صدوق بوده، و تنها تعدادی از آنها در شهر مقدس مشهد و نیشابور تشکیل شده و چند مجلس نیز در مسیر راه بوده است، برای مجلس شهر ری مکان خاصی ذکر نشده است.

نکته دیگری که در این کتاب قابل توجه است تنوع مطالب است و شامل مسائل مختلف اعتقادی، تاریخی، احکام، اخلاق و فضائل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) می‌شود.

تعداد احادیث مجالس نیز مختلف است، در مجلس هشتاد و پنجم ۲۹ حدیث آمده و در مجلس ۳۰ که در روز تاسوعای سال ۳۶۸ ق تشکیل شده تنها یک حدیث نقل شده که تاریخ امام حسین (علیه السلام) و حادثه کربلا، از مرگ معاویه تا حضور اسرای اهل بیت (علیهم السلام) در مجلس ابن زیاد، در آن آمده است، و در مجلس ۳۱ که در روز عاشورای سال ۳۶۸ ق تشکیل شده طی چهار حدیث گزارش‌های مربوط به حادثه کربلا ادامه یافته است. در مجلس ۵۱ نیز یک حدیث آمده که اختصاص به بیان حقوق دارد، و همان رساله الحقوق امام سجّاد (علیه السلام) است، در برخی روایت‌ها آمده که امام سجّاد (علیه



السلام) طی نامه‌ای به یکی از یارانش این حقوق را بیان فرموده، لیکن در امالی صدوق به این مطلب اشاره نشده است.

در مجلس ۶۶ نیز یک حدیث آمده که حدیث مناهی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به روایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

همچنین در مجلس ۷۹ نیز یک حدیث آمده که احتجاج امام رضا (علیه السلام) با دانشمندان مذاهب مختلف است.

در مجلس ۹۷ نیز تنها یک حدیث آمده است. تعداد مجالس این کتاب ۹۷ مجلس است. در اینجا گزارش اجمالی مجالس املاء را به ترتیب تاریخی، همراه با ذکر مکانی که مجلس در آن تشکیل شده و تعداد احادیث هر مجلس، به نظر خوانندگان ارجمند می‌رسانیم، و در مواردی که به شهر خاصی اشاره نشده، مکان آن شهر ری بوده است، تنها چند مجلس که براساس تاریخ‌های آن و طول مسیر بین شهر ری و مشهد در مسیر راه بوده، و گرچه به آن اشاره نشده است.

مجلس ۱. در روز جمعه نوزدهم ماه رجب سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و هفت حدیث در آن آمده است.

مجلس ۲. در روز سه‌شنبه بیست و چهارم ماه رجب سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و هفت حدیث در آن آمده است.

مجلس ۳. در روز جمعه بیست و ششم ماه رجب سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و ده حدیث در آن آمده است.

مجلس ۴. در روز سه‌شنبه آخر ماه رجب سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن هشت حدیث آمده است.

مجلس ۵. در روز جمعه دوم ماه شعبان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن پنج حدیث آمده است.

مجلس ۶. در روز سه‌شنبه هفتم ماه شعبان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن پنج حدیث آمده است.



مجلس ۷. در روز جمعه دهم ماه شعبان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن سه حدیث آمده است.

مجلس ۸. در روز سه‌شنبه چهاردهم ماه شعبان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن چهار حدیث آمده است.

مجلس ۹. در روز جمعه هفدهم ماه شعبان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن یازده حدیث آمده است.

مجلس ۱۰. در روز سه‌شنبه بیست و یکم ماه شعبان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن سیزده حدیث آمده است.

مجلس ۱۱. در روز جمعه بیست و چهارم ماه شعبان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن چهار حدیث آمده است.

مجلس ۱۲. در روز سه‌شنبه بیست و هشتم ماه شعبان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن سه حدیث آمده است.

مجلس ۱۳. در روز جمعه اول ماه رمضان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن ده حدیث آمده است.

مجلس ۱۴. در روز سه‌شنبه پنجم ماه رمضان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن یازده حدیث آمده است.

مجلس ۱۵. در روز جمعه هشتم ماه رمضان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن یازده حدیث آمده است.

مجلس ۱۶. در روز سه‌شنبه دوازدهم ماه رمضان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن سه حدیث آمده است.

مجلس ۱۷. در روز جمعه نیمه ماه رمضان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن دوازده حدیث آمده است.

مجلس ۱۸. در روز سه‌شنبه نوزدهم ماه رمضان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن پانزده حدیث آمده است.



- مجلس ۱۹. در روز جمعه بیست و دوم ماه رمضان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن دو حدیث آمده است.
- مجلس ۲۰. در روز سه‌شنبه بیست و ششم ماه رمضان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن سه حدیث آمده است.
- مجلس ۲۱. در روز جمعه آخرین روز ماه رمضان سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن یازده حدیث آمده است.
- مجلس ۲۲. در روز شنبه عید فطر اول شوال سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن چهار حدیث آمده است.
- مجلس ۲۳. در روز دوشنبه دوم ماه شوال سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن دوازده حدیث آمده است.
- مجلس ۲۴. در روز چهارشنبه چهارم ماه شوال سال ۳۶۷ ق تشکیل شده، و در آن چهار حدیث آمده است.
- مجلس ۲۵. در روز جمعه هفدهم ماه ذی حجه سال ۳۶۷ ق در شهر مقدس مشهد تشکیل شده، و در آن نه حدیث آمده است.
- مجلس ۲۶. در روز عید غدیر هجدهم ماه ذی حجه سال ۳۶۷ ق در شهر مشهد تشکیل شده، و در آن هشت حدیث آمده است.
- مجلس ۲۷. در روز جمعه اول محرم سال ۳۶۸ ق پس از مراجعت از سفر مشهد تشکیل شده، و در آن نه حدیث آمده است.
- مجلس ۲۸. در روز سه‌شنبه پنجم ماه محرم سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن ده حدیث آمده است.
- مجلس ۲۹. در روز جمعه هشتم ماه محرم سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن بیست و دو حدیث آمده است.
- مجلس ۳۰. در روز شنبه نهم ماه محرم سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن یک حدیث آمده است.



مجلس ۳۱. در روز یکشنبه دهم ماه محرم سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن چهار حدیث آمده است.

مجلس ۳۲. در روز سه‌شنبه دوازدهم ماه محرم سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن هشت حدیث آمده است.

مجلس ۳۳. در روز جمعه پانزدهم ماه محرم سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن ده حدیث آمده است.

مجلس ۳۴. در روز سه‌شنبه نوزدهم ماه محرم سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن شانزده حدیث آمده است.

مجلس ۳۵. در روز جمعه بیست و دوم ماه محرم سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن یک حدیث آمده است.

مجلس ۳۶. در روز سه‌شنبه بیست و ششم ماه محرم سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن بیست حدیث آمده است.

مجلس ۳۷. در روز جمعه، آخر محرم سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن ده حدیث آمده است.

مجلس ۳۸. در روز سه‌شنبه چهارم ماه صفر سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن هفت حدیث آمده است.

مجلس ۳۹. در روز جمعه هفتم ماه صفر سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن ده حدیث آمده است.

مجلس ۴۰. در روز سه‌شنبه یازدهم ماه صفر سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن پانزده حدیث آمده است.

مجلس ۴۱. در روز جمعه چهاردهم ماه صفر سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن یازده حدیث آمده است.

مجلس ۴۲. در روز سه‌شنبه هجدهم ماه صفر سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن شانزده حدیث آمده است.



- مجلس ۴۳. در روز جمعه بیست و یکم ماه صفر سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن نه حدیث آمده است.
- مجلس ۴۴. در روز سه‌شنبه بیست و پنجم ماه صفر سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن سیزده حدیث آمده است.
- مجلس ۴۵. در روز جمعه بیست و هشتم ماه صفر سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن هجده حدیث آمده است.
- مجلس ۴۶. در روز سه‌شنبه دوم ماه ربیع الاول سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن سیزده حدیث آمده است.
- مجلس ۴۷. در روز جمعه پنجم ماه ربیع الاول سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن بیست حدیث آمده است.
- مجلس ۴۸. در روز سه‌شنبه نهم ماه ربیع الاول سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن شانزده حدیث آمده است.
- مجلس ۴۹. در روز جمعه دوازدهم ماه ربیع الاول سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن شانزده حدیث آمده است.
- مجلس ۵۰. در روز سه‌شنبه شانزدهم ماه ربیع الاول سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن شانزده حدیث آمده است.
- مجلس ۵۱. در روز جمعه نوزدهم ماه ربیع الاول سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن پانزده حدیث آمده است.
- مجلس ۵۲. در روز سه‌شنبه بیست و سوم ماه ربیع الاول سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن چهارده حدیث آمده است.
- مجلس ۵۳. در روز جمعه بیست و ششم ماه ربیع الاول سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن سیزده حدیث آمده است.
- مجلس ۵۴. در روز سه‌شنبه اول ماه ربیع الثانی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن بیست و شش حدیث آمده است.



- مجلس ۵۵. در روز جمعه چهارم ماه ربیع الثانی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن هفت حدیث آمده است.
- مجلس ۵۶. در روز سه‌شنبه هشتم ماه ربیع الثانی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن ده حدیث آمده است.
- مجلس ۵۷. در روز جمعه یازدهم ماه ربیع الثانی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن چهارده حدیث آمده است.
- مجلس ۵۸. در روز سه‌شنبه نیمه ماه ربیع الثانی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن نوزده حدیث آمده است.
- مجلس ۵۹. در روز جمعه هجدهم ماه ربیع الثانی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن یک حدیث آمده است.
- مجلس ۶۰. در روز سه‌شنبه بیست و دوم ماه ربیع الثانی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن یازده حدیث آمده است.
- مجلس ۶۱. در روز جمعه بیست و پنجم ماه ربیع الثانی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن نوزده حدیث آمده است.
- مجلس ۶۲. در روز سه‌شنبه آخر ماه ربیع الثانی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن هجده حدیث آمده است.
- مجلس ۶۳. در روز جمعه سوم ماه جمادی الاولی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن سیزده حدیث آمده است.
- مجلس ۶۴. در روز سه‌شنبه ششم<sup>۱</sup> ماه جمادی الاولی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن شانزده حدیث آمده است.
- مجلس ۶۵. در روز جمعه نهم ماه جمادی الاولی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن نوزده حدیث آمده است.

۱ در اصل همینگونه آمده است، لیکن در صورتی که مجلس قبلی در روز جمعه سوم ماه جمادی الاولی تشکیل شده باشد، سه‌شنبه بعدی هفتم ماه می‌شود نه ششم آن.

مجلس ۶۶. در روز سه‌شنبه سیزدهم ماه جمادی الاولی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن تنها یک حدیث آمده است.

مجلس ۶۷. در روز جمعه شانزدهم ماه جمادی الاولی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن دو حدیث آمده است.

مجلس ۶۸. در روز سه‌شنبه بیستم ماه جمادی الاولی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن نه حدیث آمده است.

مجلس ۶۹. در روز جمعه بیست و سوم ماه جمادی الاولی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن سه حدیث آمده است.

مجلس ۷۰. در روز سه‌شنبه بیست و هفتم ماه جمادی الاولی سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن ده حدیث آمده است.

مجلس ۷۱. در روز جمعه اول ماه جمادی الآخرة سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن یازده حدیث آمده است.

مجلس ۷۲. در روز سه‌شنبه پنجم ماه جمادی الآخرة سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن بیست و هفت حدیث آمده است.

مجلس ۷۳. در روز جمعه هشتم ماه جمادی الآخرة سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن هیجده حدیث آمده است.

مجلس ۷۴. در روز سه‌شنبه دوازدهم ماه جمادی الآخرة سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن شانزده حدیث آمده است.

مجلس ۷۵. در روز جمعه نیمه ماه جمادی الآخرة سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن هیجده حدیث آمده است.

مجلس ۷۶. در روز سه‌شنبه نوزدهم جمادی الآخرة سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن هشت حدیث آمده است.

مجلس ۷۷. در روز جمعه بیست و دوم جمادی الآخرة سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن یازده حدیث آمده است.

مجلس ۷۸. در روز سه‌شنبه بیست و ششم جمادی الآخرة سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن دو حدیث آمده است.

مجلس ۷۹. در روز جمعه آخر ماه جمادی الآخرة سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن یک حدیث آمده است.

مجلس ۸۰. در روز سه‌شنبه چهارم ماه رجب سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن هفت حدیث آمده است.

مجلس ۸۱. در روز جمعه هفتم ماه رجب سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن بیست و دو حدیث آمده است.

مجلس ۸۲. در روز سه‌شنبه یازدهم ماه رجب سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن هفده حدیث آمده است.

مجلس ۸۳. در روز جمعه چهاردهم ماه رجب سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن شش حدیث آمده است.

مجلس ۸۴. در روز سه‌شنبه هجدهم ماه رجب سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن سه حدیث آمده است.

مجلس ۸۵. در روز جمعه بیست و دوم ماه رجب سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن بیست و نه حدیث آمده است.

مجلس ۸۶. در روز سه‌شنبه بیست و ششم ماه رجب سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن نوزده حدیث آمده است.

مجلس ۸۷. در روز جمعه بیست و هشتم ماه رجب سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن شش حدیث آمده است.

مجلس ۸۸. در روز شنبه آخر ماه رجب سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن شانزده حدیث آمده است.

مجلس ۸۹. در روز یکشنبه اول ماه شعبان سال ۳۶۸ ق در خانه سید ابو محمد یحیی بن محمد علوی تشکیل شده، و در آن سیزده حدیث آمده است.



محلّ تشکیل این مجلس در نیشابور بوده، و با توجّه به تاریخ جلسات قبل و بعد از آن باید بگوییم تعدادی از مجالس قبلی و بعدی نیز در نیشابور بوده، و چند مجلس نیز در مسیر سفر تشکیل شده است.

مجلس ۹۰. در روز سه‌شنبه سوم ماه شعبان سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن هفت حدیث آمده است.

مجلس ۹۱. در روز جمعه ششم<sup>۱</sup> ماه شعبان سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن ده حدیث آمده است.

مجلس ۹۲. در روز سه‌شنبه دهم ماه شعبان سال ۳۶۸ ق تشکیل شده، و در آن هفت حدیث آمده است.

مجلس ۹۳. در روز جمعه سیزدهم ماه شعبان سال ۳۶۸ ق در نیشابور تشکیل شده، و در آن چهار حدیث آمده است. حدیث اول آن اختصاص به بیان عقاید امامیه دارد و در پایان آن آمده است: «اگر خداوند توفیق داد و بار دیگر به نیشابور بازگشتم این مطالب را شرح و تفسیر خواهم کرد».

مجلس ۹۴. در روز سه‌شنبه هفدهم ماه شعبان سال ۳۶۸ ق در مشهد مقدّس تشکیل شده، و در آن هفده حدیث آمده است.

مجلس ۹۵. در روز چهارشنبه هجدهم ماه شعبان سال ۳۶۸ ق در مشهد مقدّس تشکیل شده، و در آن چهارده حدیث آمده است.

مجلس ۹۶. در عصر روز چهارشنبه هجدهم ماه شعبان سال ۳۶۸ ق در مشهد مقدّس تشکیل شده، و در آن هشت حدیث آمده است.

مجلس ۹۷. در روز پنجشنبه نوزدهم ماه شعبان سال ۳۶۸ ق در مشهد مقدّس تشکیل شده، و در آن یک حدیث آمده است.

۱ در نسخه ابن سکون پنجم آمده است، لیکن با توجّه به تاریخ مجلس سابق که سه‌شنبه سوم ماه بوده، روز جمعه ششم ماه است نه پنجم آن، و این اشتباه در دو مجلس بعدی نیز ادامه یافته و ما، هر دو مورد را اصلاح کردیم، تاریخ مجلس ۹۴ که در نسخه ابن سکون آمده با این اصلاحات هماهنگ است و با تاریخ‌هایی که در نسخه چاپی امالی آمده نیز مطابقت دارد.

تعداد روایت‌های این کتاب یکهزار و چهل و چهار (۱۰۴۴) حدیث است.

### نگاهی گذرا به اقدم نسخ شناخته شده از امالی شیخ صدوق

نظر به اهمیّت و مقبولیّت این کتاب شریف و جایگاه والای مؤلف آن، دانشمندان شیعی در طیّ قرون متمادی به تحصیل و تکثیر نسخ آن اهتمام ورزیده‌اند، به طوری که به گواهی فهرس نسخه‌های خطّی از قرن ششم تا سیزدهم هجری نزدیک به یکصد و پنجاه نسخه خطّی از امالی شیخ صدوق در کتابخانه‌های ایران<sup>۱</sup> و بیست و پنج نسخه در کتابخانه‌های عراق شناسایی شده است.<sup>۲</sup>

۱. از این میان نسخه مکتبه آیت‌الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء در نجف اشرف، که ادّعا شده در ۵۳۳ق کتابت شده، باید کهن‌ترین نسخه شناخته شده از امالی باشد.<sup>۳</sup>

۲. نسخه مکتوب به خطّ ابن سکون نیز در ردیف کهن‌ترین نسخه‌های امالی قرار می‌گیرد که گزارشی از آن در ادامه مقاله خواهد آمد.

۳. نسخه‌ای از امالی در کتابخانه ملّی به شماره ۴۵۲۴ نگهداری می‌شود که به خطّ محمد صافی بن محمدحسین تبریزی در تاریخ ۷۴۰ق کتابت شده و مدّتی در تملّک عبدالکریم بن هادی حسینی مرعشی از نوادگان قاضی نورالله شوشتری بوده و او فهرستی از مطالب کتاب را به نسخه افزوده است.<sup>۴</sup>

۴. نسخه مدرسه مروی تهران (به شماره ۶۶۲) نگاشته احمد بن عبدالحی تبریزی در ۷۹۰ق در ردیف نسخه‌های برتر امالی قرار می‌گیرد.

### چند نسخه قرن دهمی تاریخدار

۱. مسجد گوهرشاد مشهد، شماره ۲۸۴، به خطّ عطیه بن غنام بن علی بن یوسف اسدی در ذی‌قعدة ۹۱۳ق در مدرسه زینیه حله.<sup>۵</sup>

۱ فهرستگان نسخه‌های خطّی ایران (فنا)، ج ۴، صص ۸۱۹-۸۳۰.

۲ معجم المخطوطات العربیة، ج ۲، صص ۷۱۱-۷۱۳.

۳ همان، ج ۲، ص ۷۱۱.

۴ فهرستگان نسخه‌های خطّی ایران، ج ۴، ص ۸۱۹.

۵ درباره نسخه‌های نگاشته شده در مدرسه زینیه حله، دکتر رحمتی مقاله‌ای در میراث شهاب نوشتند و استاد ابوجعفر



۲. دانشکده الهیات دانشگاه تهران، شماره ۲۴۵، به خط علی بن عبدعلی خادم العباس در ۲۰ صفر ۹۴۳ ق و مقابله شده به وسیله عبدالحسین شیبانی در ۹۵۳ ق.
  ۳. مدرسه نواب مشهد، شماره ۵۵۴، به خط محمدعلی بن حسین، در محرم ۹۵۶، دارای بلاغ مقابله و تصحیح.
  ۴. مجلس، شماره ۱۳۴۵۰، به خط احمد بن علی بن ابراهیم بن حسن المری، در شعبان ۹۷۹ در نجف اشرف که به وسیله میرداماد تصحیح شده و ماجرای تصحیحات متعدد روی این نسخه در فهرست مجلس (ج ۳۶، ص ۳۹۶) آمده است.
- به جز موارد مذکور نسخه‌های دیگری از قرن دهم هجری موجود است که تاریخ دقیق آن مشخص نیست. هم‌چنین نسخه‌های ارزنده دیگری از قرون بعدی در دست هست، که از جمله آنهاست:
۱. مجلس: شماره ۱۴۲۳ مجموعه طباطبایی، مقابله و تصحیح از حسن بن علی نقی طغایی در ۱۰۷۷ق، که در تملک شاهزاده دانشمند دوره قاجار فرهاد میرزا بوده که از میرزای وقار در شیراز به تاریخ صفر ۱۲۹۴ خریده است.<sup>۱</sup>
  ۲. مجلس: شماره ۳۴۷۳، با نسخه ملا محمد امین در مکه مکرمه مقابله و تصحیح شده به تاریخ ۱۰۶۱ ق.<sup>۲</sup>
  ۳. دانشگاه تهران: شماره ۲۳۱۱، به خط حاجی بن منصور بن سنی بن احمد صایغ هجوی امامی که برای میرداماد در ذیقعد ۱۰۳۳ ق کتابت کرده است.<sup>۳</sup>
  ۴. آستان قدس رضوی: شماره ۱۹۱۶، به خط شیخ حرّ عاملی (صاحب وسائل الشیعه) مورخ ۱۰۶۱ ق.<sup>۴</sup>
  ۵. آستان قدس رضوی: شماره ۱۱۴۱۹، به خط محمدسلیم بن محمدحسین حسینی رازی، مورخ صفر ۱۰۸۶ ق، که دوبار به وسیله امیربیگ مشهور به آقا ملا سرکانی تصحیح و

حلی نیز تحقیقاتی دارند.

۱. فهرست مجلس، ج ۲۴/۳، ص ۱۲۰.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۱۴۲۳.

۳. فهرست دانشگاه، ج ۹، ص ۹۴۴.

۴. فهرست آستان قدس، ج ۵، ص ۴۶.



مقابله شده، یک بار با نسخه‌ای منسوب به خط مؤلف یا مقرو در نزد او و بار دیگر با نسخه‌ای از ابوجعفر محمد بن علی بن عبدالصمد نیشابوری و برادرش ابوالحسن علی بن عبدالصمد.<sup>۱</sup>

۶. آستان قدس رضوی: شماره ۱۹۱۵، به خط اسماعیل بن ابراهیم بن علی جزایری سمنانی، مورخ شوال ۱۰۹۰ به دستور شیخ ابراهیم جعفر عاملی فراهی، شیخ ابراهیم مذکور نسخه را نزد شیخ حرّ عاملی (صاحب وسائل الشیعه) خوانده و در تاریخ ۱۰۹۰ ق از مقابله و تصحیح آن فارغ شده و در صفحه آخر آن شیخ حرّ عاملی برای وی اجازه‌ای در تاریخ ذیحجه ۱۰۹۰ نوشته است.<sup>۲</sup>

۷. آستان قدس رضوی: شماره ۱۵۳۸۸، به خط سلطان حسین بن حاجی محمد طبسی گیلکی در ۱۰۹۱ ق، مقابله و تصحیح شده و حواشی دارد.<sup>۳</sup>

### چند نسخه ارزشمند از امالی شیخ صدوق

#### موجود در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی

نسخه‌های متعددی از امالی در این کتابخانه نگهداری می‌شود که به ذکر چند نمونه از نسخ برتر آن اکتفا می‌شود:

۱. نسخه شماره ۷۸۵۰، به خط محمد بن عباس نجفی، کتابت شده در تاریخ نهصد و هشتاد و اندی.<sup>۴</sup>
۲. نسخه شماره ۲۱۶۱، به خط محمد سالم بن محمد شریف خطیب خوانساری، مورخ ۱۰ محرم ۱۰۶۶ ق، تصحیح شده و از وقفیات شاه سلطان صفی صفوی است و مهر وی را دارد.<sup>۵</sup>
۳. نسخه شماره ۱۳۵۳۴، به خط محمد حسین بن میرزا محمد غروی، مورخ ماه رمضان ۱۰۷۵ ق، که یادداشتی به خط ملا محسن فیض کاشانی دارد و فرزندش علم الهدی در ذیقعد ۱۰۷۸ ق نسخه را مقابله و تصحیح کرده است.<sup>۶</sup>

۱ همان، ج ۱۴، ص ۸۳.

۲ همان، ج ۵، ص ۴۵.

۳ همان، ج ۱۴، ص ۸۴.

۴ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۲۰، ص ۱۹۵.

۵ همان، ج ۶، ص ۱۶۵.

۶ همان، ج ۳۴، ص ۳۴۱.



۴. نسخه شماره ۳۹۰، به خط محمدابراهیم بن محمدتقی تبریزی، مورخ جمادی الثانی ۱۰۸۶ ق، کاتب نسخه را با نسخه محمدحسین شهیر به تاج (تاجا) مقابله و تصحیح نموده در سلخ محرم ۱۰۸۷ ق و لغات مشکل در آن شرح داده شده است.<sup>۱</sup>
۵. نسخه شماره ۴۴۵۲، از سده دوازدهم هجری، تصحیح شده، مرحوم شیخ عباس قمی (محدث قمی، صاحب مفاتیح الجنان) برگهای ناقص آن را کسرنویسی کرده و در دهه اول ذیحجه ۱۳۱۳ ق کار خود را به پایان رسانیده است.<sup>۲</sup>
- این بیست نسخه، به عنوان نمونه‌ای از نسخه‌های برتر شناخته شده از امالی شیخ صدوق به صورت اجمالی گزارش گردید. پیش از پرداختن به نسخه ابن سکون، باید گفت: برای امالی شیخ صدوق جمعی از علما تبویب و ترتیب، ترجمه، منتخب و مختصر نگاشته‌اند که نام آنها به اختصار در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران<sup>۳</sup> آمده است:
۱. تبویب الامالی، غیاث‌الدین جمشید طوسی (قرن دهم هجری).
  - نسخه مهمی از این کتاب در کتابخانه آستان محمد هلال بن علی در آران نگهداری می‌شود که در قرن دهم از روی خط مؤلف نگاشته شده و او امالی را از روی نسخه صحیح مورخه دوشنبه ۵ ذی‌قعدة ۵۰۷ ق به خط عبدالجبار بن علی بن منصور نقاش نسخه اساس قرار داده و نسخه نقاش نیز از روی نسخه ابوجعفر بن علی بن عبدالصمد نیشابوری در مشهد مقدس، استنساخ گردیده و در خدمت ابوالحسن الشریف بن احمد ابیوردی مقابله شده است؛<sup>۴</sup>
  ۲. ترجمه امالی، از: علی بن محمد حسینی عریضی (قرن یازدهم هجری)؛
  ۳. مجالس المنتخبین و تذکره المعارفین (= ترجمه الامالی)، از: محسن بن محمد مهدی خراسانی (قرن ۱۲ ق)؛
  ۴. عوالی اللآلی فی ترجمه کتاب الامالی، از: محمد بن محمد امین حسینی (قرن ۱۳ ق)؛

۱ همان، ج ۱، ص ۴۰۷.

۲ همان، ج ۱۲، ص ۴۴.

۳ فهرستگان نسخه‌های خطی ایران، ج ۴، ص ۸۱۹.

۴ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه و مرکز اسناد آستان مقدس حضرت محمد هلال بن علی - آران، ص ۱۰۵-۱۰۷.

۵. منتخب الامالی، از: محمّد بن جمشید مراغی (قرن ۱۳ ق)؛
۶. ترتیب اسانید امالی، از: آیت الله محمّد حسین طباطبایی بروجردی (۱۳۸۰ ق)؛
۷. منتخب الامالی؛
۸. مختصر الامالی؛
۹. ترجمه امالی؛
۱۰. تکملة العوالی.

و اکنون به معرفی نسخه بسیار نفیس امالی به خطّ فقیه، ادیب و دانشمند برجسته شیعی در قرن ششم هجری یعنی جناب ابوالحسن علی بن محمّد ابن سکون حلّی می‌پردازیم و در ابتدا شرح حال مختصری از این عالم نام‌آور:

### شرح حال ابن سکون

عالم فاضل، عابد پرهیزکار، نحوی، لغوی، شاعر و فقیه بزرگوار علی بن محمّد بن محمّد بن علی بن محمّد بن زاهر بن علی بن محمّد بن سکون، ابوالحسن حلّی، از دانشمندان قرن ششم هجری است، که به ریزبینی و دقّت در نقل مطالب شناخته شده است. ابن نجّار نسب وی به همین ترتیب ذکر نموده و گفته آن را به خطّ ابن خُشّاب دیده است.<sup>۱</sup> از تاریخ ولادتش گزارشی به دست ما نرسیده است، لیکن برخی از جزئیات زندگی وی گزارش شده است که اطلاعات ارزشمندی به ما می‌دهد، این گزارش‌ها را در چند عنوان دسته‌بندی کرده به نظر خوانندگان محترم می‌رسانم

#### ۱. استادان

ابن سکون کودکی و نوجوانی خویش را در زادگاهش حلّه گذراند و مقدمات علوم را نزد پدرش که از محدّثان به نام زمان خویش بود<sup>۲</sup> آموخت، سپس برای تکمیل آموخته‌های خویش به بغداد رفت و در آن شهر که علاوه بر مرکزیت سیاسی، مرکزیت علمی نیز داشت، اقامت گزید و از محضر اساتید و دانشمندان در رشته‌های مختلف بهره برد تا خود از متخصصان آن گردید.

۱ ذیل تاریخ بغداد، ج ۱۹، ص ۶۰ (۸۶۹).

۲ ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۴۱.



ابن سکون در سه رشتهٔ نحو، لغت و فقه تخصص داشته و همهٔ کسانی که شرح حال وی را نگاشته‌اند به برجستگی وی در این سه رشته اعتراف کرده‌اند، لیکن از استادان وی در این سه رشته کمتر سخن گفته‌اند.

او در علم نحو از شاگردان ابن خشاب بوده است،<sup>۱</sup> ابو محمد عبدالله بن احمد بن احمد بغدادی معروف به ابن خشاب از دانشمندان علم نحو بود که در بغداد می‌زیست و در رشتهٔ نحو تبخّر خاصی داشت تا جایی که برخی او را هم ردیف ابوعلی فارسی دانسته‌اند،<sup>۲</sup> حوزهٔ درس او همیشه سرشار از مشتاقان این علم بود و دهها متخصص در این رشته تربیت کرد، ابن سکون نیز در زمرهٔ شاگردان ابن خشاب بود و به مراتب بالای این علم دست یافت.

یکی دیگر از استادان وی ابوالحسن بن عصار است، او استاد علم لغت بود که در بغداد می‌زیست، علی بن عبدالرحیم رقی معروف به ابن عصار (۵۰۸-۵۷۶ ق) که از اهالی رقة بود به بغداد آمد و پس از کسب دانش در آن شهر، خود حوزهٔ درسی تشکیل داد که دهها شاگرد برجسته در آن تربیت شدند،<sup>۳</sup> ابن سکون نیز از این استاد بهره‌های فراوانی برد و خود از متخصصان علم لغت گردید.

از دیگر استادان ابن سکون اطلاعی در دست نیست، همانگونه که پیش از این اشاره شد او فقهی نام‌آور بوده است، ابن نجار در شرح حال وی چنین آورده است: وقرأ الفقه علی مذهب الشیعة حتی برع فیه و صار یدرسه / او فقه را براساس مذهب شیعه فراگرفت و به مراحل بالایی از آن دست یافت و به تدریس آن پرداخت.

از استادان فقهی وی گزارشی نرسیده است، شخصیتی که به مراتب بالای فقهی دست یافته و خود حوزهٔ درس فقه داشته، باید از محضر اساتیدی که خود دارای رتبه‌های بالایی فقهی بوده‌اند استفاده کرده باشد.

## ۲. مسافرت‌ها

ابن سکون از حله به بغداد رفت و سال‌ها در این شهر به تحصیل و تدریس پرداخت، او علاوه

۱ ذیل تاریخ بغداد، ج ۱۹، ص ۶۰ (۸۶۹)؛ بغیة الوعاة، ج ۲، ص ۱۹۹ (۱۷۸۴).

۲ سیر اعلام النبلاء، ج ۲۰، ص ۲۳.

۳ سیر اعلام النبلاء، ج ۲۰، ص ۵۷۸-۵۷۹ (۳۶۱).

بر تخصص در رشته‌های نحو، لغت و فقه، نویسنده‌ای زبردست و شاعری توانا بود، و هر دو تخصص خریدارانی داشت.

ابن سکون در سفری که به مدینه طیبه داشت به تقاضای حاکم آنجا، مدتی در آن شهر ماند و نویسندگی برای وی را بر عهده گرفت. پس از مدتی از مدینه به سوی شام رفت و صلاح‌الدین یوسف بن ایوب را که بر آنجا حکومت می‌کرد با سرودن شعری مدح کرد.

### ۳. شعرها

آنگونه که در شرح حال ابن سکون آمده او از قریحه شعری برخوردار بوده و به گفته ابن نجار: «و کان کاتباً بلیغاً و شاعراً مجیداً».<sup>۱</sup>

و بنا به نوشته یاقوت: «و کان یجید قول الشعر».<sup>۲</sup>

از اشعار سروده شده ابن سکون اطلاع چندانی در دست نیست، و تنها اندکی از آن به جای مانده است که همان مقدار نیز دلالت بر قدرت وی در سرودن شعر دارد، به عنوان نمونه چند بیت از سروده‌های وی را در اینجا درج می‌کنیم:

حُذِّ مِنْ لَذِيذِ الْعَيْشِ مَا رَقَّ أَوْ صَفَا	أَلَمْ تَعْلَمَا أَنَّ الْهُمُومَ قَوَاتِلُ
خَلِيلِي إِنَّ الْعَيْشَ بِيضَاءُ طِفْلَةٍ	مِنَ الْمُشْرِقَاتِ الْآنَسَاتِ كَأَنَّهَا
و نَفْسُكُمْ عَن بَاعِثِ الْهَمِّ فَاصْرِفَا	وَأَحْجَى الْوَرَى مَن كَانَ لِلنَّفْسِ مُنْصِيفَا
إِذَا رَسَفَ الظَّمَانُ رِيْقَتَهَا اشْتَفَى	سَقِيَّةً بَرْدِي تَوَسَّطِ الْحَفَا <sup>۳</sup>

ابیات فوق بخشی از قصیده‌ای است که ابن نجار بغدادی بیست و چهار بیت آن را در شرح حال ابن سکون ذکر کرده است.<sup>۴</sup>

۱ ذیل تاریخ بغداد، ج ۱۹، ص ۶۰ (۸۶۹).

۲ معجم الأدباء، ج ۱۵، ص ۷۵ (۱۵).

۳ الوافی بالوفیات، ج ۲۲، ص ۱۳۳ (۷۵).

۴ ذیل تاریخ بغداد، ج ۱۹، ص ۶۱-۶۲ (۸۶۹).

#### ۴. فضائل اخلاقی

این عالم بزرگوار همچون دیگر فقیهان بزرگ شیعه دارای خصلت‌های برجسته انسانی بود و به صفات نیک و کثرت عبادت شهرت داشت، دانشمند معاصر و هم‌شهری وی حسن بن معالی حلّی می‌گوید:

ابن سکون شخصی متدین بود و در شب‌ها فراوان نماز می‌خواند، همچنین او جوانمرد و با سخاوت بود.

این مطلب را ابن نجّار از حسن بن معالی نقل کرده است.<sup>۱</sup>

#### ۵. تاریخ وفات

با این‌که ابن سکون شخصیتی برجسته بوده و در عصر خویش نیز دارای شهرت و مقبولیت بوده، لکن زمان درگذشت وی به طور دقیق ضبط نشده است و تنها به صورت تقریبی نقل شده است. ابن نجّار در پایان شرح حال وی چنین آورده است:

ذکر لي الشيخ ابن معالي الحلّي الأديب أنّ عليّ بن محمّد ابن السّكون توفّي في حدود سنة ستّ وستّمائة.<sup>۲</sup>

ياقوت حموی نیز همین تاریخ را ذکر نموده،<sup>۳</sup> و سیوطی<sup>۴</sup> و صلاح‌الدین صفدی<sup>۵</sup> آن را از وی نقل کرده‌اند.

مدّت عمر آن بزرگوار هم به طور دقیق مشخص نشده است، ابن نجّار به نقل از حسن بن معالی حلّی می‌گوید: هنگام وفات ابن سکون عمر وی از هفتاد سال گذشته بود.<sup>۶</sup>

از محلّ دفن وی گزارشی به دست ما نرسیده است.

۱ ذیل تاریخ بغداد، ج ۱۹، ص ۶۰ (۸۶۹).

۲ ذیل تاریخ بغداد، ج ۱۹، ص ۶۲ (۸۶۹).

۳ معجم الأدباء، ج ۵، ص ۷۵ (۱۵).

۴ بغیة الوعاة، ج ۲، ص ۱۹۹ (۱۷۸۴).

۵ الوافی بالوفیات، ج ۲۲، ص ۱۳۲ (۷۵).

۶ ذیل تاریخ بغداد، ج ۱۹، ص ۶۲ (۸۶۹).



## ۶. نسخه خطی امالی

ابن سکون شخصی خوش فهم و دقیق بود و بر تصحیح کتب ارزشمند حرص می ورزید و تا به درستی مطلبی اطمینان نداشت آن را بر روی کاغذ نمی آورد، در شرح حال وی چنین نوشته اند: کان ... حریصاً علی تصحیح الکتب، لم یضع قَطَّ فی طرسه إلا ما وعاه قلبه، و فِهمه لُبّه.<sup>۱</sup> این ویژگی سبب شده تا دست نوشته ها و نسخه های خطی ابن سکون در زمره برترین های میراث مکتوب قرار گیرد، و در جاهایی که چند نسخه خطی از یک متن وجود دارد اگر در موردی بین آنها اختلافی وجود داشته باشد، نوشته ابن سکون به عنوان متن اصلی انتخاب می شود.

ابن سکون اهتمام بلیغی به نشر آثار و منابع اصیل و مهم امامیه داشته و به خط مبارک خود کتابهای حدیثی شیعه را می نگاشته و با تبهر و مهارتی که در علم نحو، لغت و ادبیات عرب داشته به مقابله و تصحیح آنها می پرداخته است. نسخه هایی از نهج البلاغه موجود است که با نسخه ابن سکون مقابله شده است. از جمله نسخه ای از نهج البلاغه که در کتابخانه سلیمانیه ترکیه موجود است که از روی خط ابن سکون نگاشته شده و همین نسخه مبنای تصحیح نهج البلاغه به وسیله دوست دانشمند جناب استاد قیس العطار قرار گرفته است.

صحیفه سجادیه یکی دیگر از کتب مورد توجه ابن سکون بوده؛ به طوری که عده ای از علما، وی را قائل «حدثنا» در ابتدای سند صحیفه سجادیه می دانند و نسخه های موجود و مشهور از صحیفه همگی به نسخه ابن سکون بازمی گردد.

و سومین اثر گران سنگ این دانشمند و کاتب ریزین و دقیق نسخه امالی عالم بزرگ شیعه شیخ صدوق است.

این نسخه ارزشمند در تملک محدث بزرگوار مرحوم حاج شیخ عباس قمی بوده و پس از درگذشت ایشان به فرزندشان مرحوم حجت الاسلام شیخ علی محدث زاده منتقل شده است، دست نوشته آغازین نسخه نشان می دهد که این نسخه در سال ۸۱۳ ق در اختیار مرحوم محمد بن نظام الدین علی استرآبادی بوده، و پس از مطالعه آن در یادداشتی تاریخ اتمام مطالعه را ثبت کرده است، وی در صفحه اول کتاب چنین نوشته است:

۱ معجم الأدباء، ج ۱۹، ص ۷۵ (۱۵)؛ بغية الوعاة، ج ۲، ص ۱۹۹ (۱۷۸۴).



طالعه مستفیفاً العبد الفقیر إلى الله محمد بن نظام بن علی الأسترآبادی غفر الله له، فی أوّل ربیع السنة ۸۱۳.

مرحوم محدث قمی در ذیل آن اینگونه مرقوم کرده است:

بسم الله الرحمن الرحيم هذا حظ الشيخ العالم الفاضل الفقيه المدقق محمد بن نظام الدين الأسترآبادي شارح ألفية الشهيد، قال شيخنا الحرّ العاملي «في أمل الآمل: الشيخ محمد بن نظام الدين الأسترآبادي، فاضل، فقيه، مدقق، له شرح ألفية الشهيد و غير ذلك، انتهى، كتبه بيناه الوازرة عباس بن محمدرضا القمي، عفي عنه، في ۲۵ شهر ربیع الثاني سنة ۱۳۳۷. و در حاشیة نسخه در آغاز مجلس ۶۱ چنین نوشته است:

بسم الله الرحمن الرحيم هذا الكتاب المستطاب كله بخط شيخنا الأجل العالم الفاضل الورع الفقيه، النحوي اللغوي، أبي الحسن علي بن محمد المعروف بابن السكون تلميذ ابن عصّار المعاصر لعميد الرؤساء، راوي الصحيفة الكاملة. قال ياقوت الحموي: «كان ابن السكون عارفاً بالنحو واللغة، حسن الفهم، جيّد النقل، حريصاً على تصحيح الكتب لم يضع قطّ في طرسه إلا ما وعاه قلبه وفهمه لبّه، وله تصانيف، مات في حدود سنة ۶۰۶ هـ، انتهى. وكتبت شرح حاله في كتاب الفوائد الرضويّة. وأنا الأحقر عباس بن محمدرضا القمي عفي عنهما في الخامس والعشرين من شهر ربیع الآخر سنة ۱۳۳۷.

در صفحه پایانی که فهرست مطالب تعدادی از مجالس در آن آمده، مرحوم محدث قمی چنین نوشته است:

بسم الله الرحمن الرحيم، هذه النسخة الشريفة بخط العالم الجليل ابن السكون، وهي من نفائس الدهر رزقنيها الله تعالى، وأنا الأحقر المجرم عباس القمي المشهدي في سنة ۱۳۳۷. یادداشت فوق مربوط به سال‌هایی است که مرحوم محدث قمی در مشهد می‌زیسته است، مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی نیز هنگام سفر به مشهد مقدّس آن را نزد محدث قمی دیده و در کتاب «الذريعة» از آن یاد کرده است.<sup>۱</sup>

۱ معجم الأدباء، ج ۵، ص ۱۹۶۸، شماره ۸۳۵، در این کتاب آمده که حدود سال ۶۰۰ از دنیا رفت.  
 ۲ الذريعة، ج ۲، ص ۳۱۵، ۱۲۵۱: الأمالي.



در اول کتاب نام علی محدث زاده قمی آمده، و در صفحه پایانی چنین نوشته است: «از کتاب حقیر علی بن عباس القمی است محدث زاده».

و در حاشیه مجلس ۴۴ چنین مرقوم شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم من عواري الزمان لدي الحقير الفاني الجاني علي بن عباس القمي - عفي عنهما - ۱۱ جمادی الاولى سنة ۱۳۶۹.

و در پایان مجلس ۶۴ چنین نوشته است: من متملکات الاحقر علي بن عباس القمي، ۸ ربیع الثاني ۱۳۶۹.

و در آغاز مجلس ۶۸ چنین آمده است:

از الطاف حضرت حقّ این کتاب شریف است که به من روزی فرموده. محدث زاده.

## سخن آخر

اینجانب به عنوان متولی کتابخانه بزرگ مرحوم آیت الله العظمی مرعشی بسیار علاقه مند بودم که این نسخه بسیار نفیس را به گنجینه مخطوطات کتابخانه بیفزایم، و بدین جهت افزون بر سه دهه برای خرید آن تلاش کردم و با مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج میرزا علی محدث زاده فرزند ارشد مرحوم شیخ المحدثین حاج شیخ عباس قمی در میان گذاشتم. لیکن موفق به این کار نشدم با وجودی که تعدادی از نسخه های نفیس کتابخانه مرحوم محدث قمی را از ایشان خریداری نموده بودم ولی موفق به تحصیل نسخه امالی صدوق نشدم.

سرانجام این نسخه بسیار نفیس توسط کتابخانه ملی جمهوری اسلامی خرید شده و زینت بخش مخزن نسخه های خطی آن گردید، و اینک برای اولین بار این نسخه بسیار ارزشمند با مشارکت کتابخانه بزرگ و جهانی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به صورت تصویری «فاکسی میلی» چاپ و منتشر می شود. خداوند را بر این توفیق سپاسگزارم، و از محضرش توفیق بیشتر برای حفظ و احیاء میراث مکتوب را خواستارم.



